

زیبایی و آراستگی کلام خواجهی کرمانی در تطبیق با نگاره‌های نسخه مصور دیوانش

چکیده

ابوعطا کمال‌الدین محمود بن علی بن محمود مشهور به خواجهی کرمانی یکی از بزرگ‌ترین شاعران و عارفان ادب پارسی است؛ که در همهٔ پیکره‌ها و گونه‌های شعری به استادی و توانمندی قابل‌ملاحظه‌ای طبع‌آزمایی نموده است. اگرچه در پهنهٔ ادب ایران زمین چنان‌که بایسته اوست از او سخن به میان نیامده و حق او گزارده نشده است که آن هم قطعاً به‌واسطهٔ تجربه روزگاری بوده که ازسویی استاد سخن، شیخ اجل، سعدی، را در پس خویش داشته و خواجهٔ رندان، خداوندگارِ غزلِ عاشقانه و عارفانه، حافظ را درپیش رو، از این جهت خواجه در سایهٔ آنان قرار گرفته و سروده‌هایش آن‌گونه که شایسته می‌نماید، نتوانسته در کنار اشعار جاودانه آن‌ها خودنمایی نماید. با این حال، خواجه به عنوان شاعری هنروزی در میان شاعران پارسی گو با القابی چون: «ملک‌الفضلا»، «ملک‌الکلام»، «خلاق‌المعانی»، لقب ویژهٔ «نخلبند شعر» را کسب کرده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیل و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. اگرچه می‌توان گزاره‌های مقام نخلبندی خواجه را در اندیشهٔ بلند عارفانه و هنر شاعرانه او جستجو کرد؛ اما مؤلفه‌های صورت‌گری و تصویرآفرینی و مهارت بهره‌مندی او از آرایه‌های لفظی و معنوی، خود از جایگاهی قابل تأمل برخوردار است. از این‌رو، این جستار برآنست تا سیمای «نخلبندی» خواجه را در آیینه صورخیال و آرایه‌های ادبی، در تطبیق با نگاره‌های نسخهٔ مصور سروده‌هایش بررسی نماید.

اهداف پژوهش:

۱. شناخت صورخیال و آرایش سخن خواجه در تطبیق با نگاره‌های نسخه مصور دیوان اشعارش.
۲. بررسی و شناخت جلوه‌های نخلبندی خواجه در سروده‌هایش.

سؤالات پژوهش:

۱. چه رابطه میان نخلبندی و آرایه‌ورزی و صورت‌گری خواجه در شعر وجود دارد؟
 ۲. صورخیال چه بازتابی در نگاره‌های نسخهٔ مصور خواجهی کرمانی داشته است؟
- کلیدواژه‌ها:** نخلبندی، موسیقی شعر، صورخیال، صورت‌گری، خواجهی کرمانی.

مقدمه

کمال‌الدین ابوالعطا محمود بن علی بن محمود، مشهور به خواجهی کرمانی از شاعران و عارفان بزرگ ایرانی در سده هشتم هجری قمری است. دوران حیات او با اواخر زندگانی سعدی و اوایل جوانی حافظ مصادف بود. این نزدیکی باعث آمد تا هم اوضاع اجتماعی آن روزگار، هم شیوه شاعری سعدی بر خواجه تأثیر بگذارد. به طوری که می‌توان بیش از همگان اقتدای او را نه تنها در مفاهیم و معانی، بلکه در ظواهر و سبک و سیاق شعری به سعدی مشاهده کرد. خواجه پیش از آن که غزل‌سرا باشد مانند بسیاری از شاعران سبک عراقی قصیده می‌سرود، قصاید متعدد او با ظاهری فرهیخته و استوار یکی از هنرنمایی‌های خواجه به‌شمار می‌رود؛ که از نظر کاربرد لغات دشوار عربی بعضاً به قصاید منوچهری و از نظر شیوه بیان به سخن خاقانی قصیده‌سرای بزرگ می‌ماند. خواجه با گذر از قصیده به غزل روی آورده و سعدی را پیشرو و الگوی خویش قرار داده است. او به عنوان شاعری کثیرالشعر با تمسک و تأثیر از بزرگان ادب نشان داده است؛ علاوه بر حفظ و دریافت میراث ادبی گذشتگان، بر شاعران بعد از خود بعضاً با شدتی افزون‌تر اثرگذار بوده است؛ که می‌توان این نشانه را دلیل روشنی از سهم به‌سزای او در تکامل شعر فارسی در نظر داشت. از این رو، غالب تذکره‌نویسان او را لقب «نخلبند شعر» داده‌اند. مشهورترین و مهم‌ترین عنوان، در میان جمله القابی که به خواجه نسبت داده شده است. سؤالاتی که پژوهش حاضر حول آن شکل گرفته عبارت‌اند از: آیا خواجه صورت‌گر و تصویرآفرین است؟ رابطه آرایه‌ورزی و صورت‌گری خواجه در شعر با نخلبندی چیست؟ خواجه تا چه حد از تصاویر شاعرانه و صنایع لفظی و معنوی استفاده کرده است؟ صورخیال چه بازتابی در نگاره‌های نسخه مصور خواجهی کرمانی داشته است؟

در راستای پرسش‌های تحقیقاتی این جستار، هدف کلی این پژوهش علاوه بر شناسایی جلوه‌های نخلبندی شعر خواجهی کرمانی در آیینه صورت‌های خیال و آرایه‌ورزی، بررسی و شناخت زیبایی و آراستگی سخن خواجه در تطبیق با نگاره‌های نسخه مصور دیوان اشعارش است. به همین منظور ضروریست تا ضمن شناخت عناصر زیبایی سخن، رابطه آن با نخلبندی در کلام شعری و انتساب لقب «نخلبند» به خواجه نمایان گردد.

آنچه در این پژوهش ضرورت تحقیق را نمایان می‌سازد بررسی رابطه آرایه‌ورزی و صورت‌گری خواجه با نخلبندی او در سروده‌های اوست به شکلی که علاوه بر شناخت میزان کمی و کیفی موفقیت خواجه در این مهم، در ارزشیابی جایگاه شعر و شاعری و مقام نخلبندی او در میان شعرای پارسی‌گو کمک شایانی می‌کند. متناسب با موضوع پژوهش، روش جاری در این تحقیق، شیوه نظری بوده است. یعنی نوعی پژوهش بنیادی که خود از روشهای استدلالی و عقلانی استفاده کرده و بر پایه مطالعه کتابخانه‌ای در حوزه زیبایی‌شناسی از دیوان خواجهی کرمانی فیش‌نویسی و بررسی جلوه‌های صورت‌گری و آرایه‌ورزی را به عمل آورده است.

اگرچه تاکنون به شکل کلی مبنی بر رویکرد این پژوهش، مقالاتی در بررسی سبک شاعری خواجه به رشته تحریر درآمده است؛ برای مثال طایفی و کمالخانی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل سبک‌شناسانه پنجاه غزل خواجهی کرمانی» به بررسی سبک شعری خواجه پرداخته است. لذا گلگشتی در نمونه‌های صورت‌گری و بهره‌مندی خواجه از

آرایه‌های لفظی و معنوی، در راستای اهداف این تحقیق شایان توجه و ارزشیابی است. از این‌رو این پژوهش در سه بخش کلیات، ارائه تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری تنظیم و تدوین یافته است.

نتیجه‌گیری

بر پایه آنچه از نظر گذشت خواجه به‌عنوان یکی از بزرگان شعر و ادب قرن هشتم هجری قمری در میان شاعران پارسی‌گو از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. اگرچه تقدیرش بر آن بوده تا حیاتش میان تبلور دو شاعر بزرگ ادب و عرفان ایران زمین سعدی و حافظ رقم بخورد؛ چه‌بسا اگر آن دو نبودند خواجه به‌تنهایی به منزله یک‌ه تاز شعر و غزل عرفانی زمان، حکایتی دیگر پیدا مینمود. با این وجود خواجه کسی است که حافظ قافله سالار شعر و ادب عاشقانه و عارفانه اقتدای خویش را به او از افتخارات خود دانسته است به طوریکه درباره او آورده‌اند :

استاد غزل سعدیست نزد همه کس اما دارد سخن حافظ طرز غزل خواجه

به راستی در ارزش‌گذاری شعر و شاعری و جایگاه ادبی خواجه باید گفت او در تکامل غزل فارسی سهم بزرگی داشته به‌گونه‌ای که توانسته است هم میراث ادبی گذشتگان را به خوبی حفظ نماید و از آن تأثیر بپذیرد. هم در شعر و ادب پس از خود با شدتی افزون‌تر اثرگذار باشد. تذکره‌نویسان و گزارشگران شعر خواجه، او را لقب «نخلبند» داده‌اند و همان‌گونه که از این جستار برآمده است با بررسی و هنرسنجی کلام او این لقب را می‌توان شایسته و برازنده خواجه دانست. لقبی که آن را باید در صورت‌گیری و نقش‌آفرینی او جستجو کرد یعنی خصیصه اصلی و جاوید اشعار این شاعر تصویرآفرین، به جرأت دیوان شعر او از بزرگ‌ترین و متنوع‌ترین دواوین تصاویر شعرپارسیست. خواجه ضمن بهره‌مندی از معارف بارور ادبی و عرفانی، به تلفیق الفاظ و بیان مضامین دلنشین و تشبیهات بدیع و خیال‌انگیز و ارائه معانی بلند و نقاشی طبیعت پرداخته است. از این‌رو مشاهده برشی عرضی از تصاویر و زیبایی‌های کلامی سروده‌هایش دلیلی بزرگ بر این مدعاست. او به اقتضای طبیعت سخن به دور از هرگونه تکلف و تصنعی به صورخیال و آرایه‌های بدیعی روی آورده تا بتواند هرچه زیباتر و نافذتر مفاهیم و مقاصد درونی خود را ارائه نماید. شایان ذکر است خواجه پیش از آنکه غزل‌سرا باشد مانند بسیاری از شاعران پارسی‌گو قصیده‌سرا بوده، با ساختاری دشوار که یکی از هنرنمایی‌های قصیده‌سرایان به‌شمار می‌آمده است قصاید فراوانی را سروده است و از نظر شکل‌شناسی زبان تا اندازه‌ای به قصاید منوچهری و خاقانی شباهت دارد.

خواجه پس از قصیده‌سرایی به غزل روی آورد؛ چراکه از سویی به تدریج قصیده جای خود را به غزل داده و آرام آرام بازار غزل رونق یافته، و از سوی دیگر غزل سعدی خود به تنهایی چنان جلوه و جمال پیدا نموده که شعر و شاعری زمان را تحت‌الشعاع انوار درخشان خویش قرار داده است. از این‌رو خواجه با اقتدا به سعدی، کامیاب‌تر و موفق‌تر از دوران قصیده‌سرایی ضمن استحکام جایگاه ادبی خود؛ در آیندگان شعر و ادب پارسی تأثیری به‌سزا گذارده است.

منابع

کتاب‌ها

- احمدرازی، امین. (۱۳۹۰). تذکره هفت اقلیم. به تصحیح و حواشی سید محمدرضا طاهری، تهران: انتشارات سروش.
- جامی، عبدالرحمن. (۱۳۳۶). نفحات الانس. تصحیح مهدی توحیدی‌پور، تهران: نشر کتاب فروشی محمودی.
- حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۷۲). دیوان غزلیات. به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، تهران: انتشارات صفی‌علیشاه.
- حصوری، علی. (۱۳۷۹). مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت خواجهی کرمانی. به کوشش احمد امیری خراسانی، کرمان: نشر مرکز کرمان‌شناسی.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۶۸). حافظ‌نامه، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- دستگردی، وحید. (۱۳۷۰). کلیات خمسه نظامی. به کوشش دکتر سعید حمیدیان، تهران: نشر قطره.
- سجادی، سیدجعفر. (۱۳۷۰). فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، تهران: انتشارات طهوری.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۶). صورخیال در شعر فارسی، تهران: نشر آگاه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۱). بیان، تهران: انتشارات فردوس.
- صادقیان، محمدعلی. (۱۳۶۷). زیور سخن در بدیع فارسی، تهران: انتشارات دانشگاه یزد.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۸۷). تاریخ ادبیات در ایران. ج ۳، تهران: انتشارات فردوس.
- عفیفی، رحیم. (۵۴-۱۳۵۱). فرهنگ جهانگیری، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.
- کرمانی، خواجه. (۱۳۶۹). دیوان اشعار، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران: انتشارات پاژنگ.
- کرمانی، خواجه. (۱۳۷۰). همای و همایون. به تصحیح و توضیح کمال عینی، تهران: انتشارات بنیادفرهنگ.
- کزازی، میر جلال‌الدین. (۱۳۸۱). زیباشناسی سخن پارسی (۳)، تهران: نشر مرکز.
- گرگانی، حاج محمدحسین. (۱۳۷۷). ابداع البدایع، به اهتمام حسین جعفری، تهران: نشر احرار.
- گورین، ویلفردال. ویلینگهام، جان. ارلیبرارل جی، مورگان، لی. (۱۳۷۰). راهنمای رویکردهای نقد ادبی، ترجمه زهرا میهن‌دوست. تهران: انتشارات اطلاعات.
- معین، محمد. (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۸۰). فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: نشر هما.
- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۷۰). معانی و بیان، تهران: نشر هما.

واعظ کاشفی سبزواری، میرزا حسین. (۱۳۶۹). بدایع الافکار فی صنایع الاشعار. ویراسته میرجلال‌الدین کزازی، تهران:
نشر مرکز.